

در ماه‌های اخیر یکی از مسائلی که نقطه کانونی مسائل حقوقی کشور تلقی شد، مسئله نحوه مواجهه آمریکا با برجام و موضوع فعال‌سازی مکانیزم ماشه است؛ مسئله‌ای که به‌رغم تذکر بسیاری از حقوق‌دانان در دوره مذاکرات برجام به آن توجه نشد و الآن کشور را در شرایطی قرار داده است که امکان استیفای حقوق مشروع ناشی از برجام را از کشورمان سلب کرده است. از این‌رو با دکتر احمد مؤمنی‌راد استاد دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده‌ایم تا مشخص شود امکان بازگرداندن تحریم‌ها توسط آمریکا به واسطه مکانیزم ماشه یا سازوکاری خارج از برجام وجود دارد یا خیر!

پژوهش‌کننده تحقیقات راهبردی: از نظر حقوقی

مفهوم مکانیزم ماشه چیست که این روزها در محافل حقوقی و سیاسی مطرح می‌شود؟

مکانیزم ماشه در حقیقت واژه «اسنپ بک» (snap back) به معنی «بازگشت فوری» است که مکانیزم آن در برجام تعبیه شده است. مکانیزم ماشه تعبیری است از اینکه وقتی با چکانده شدن ماشه شلیک اتفاق می‌افتد، به همین ترتیب، باید بازگشت به وضعیت قبل از برجام برای کشورها رخ دهد و به‌صورت خودکار تحریم‌های شورای امنیت علیه کشور برگردد. در واقع در برجام یک سازوکار حل اختلاف داریم که خروجی این سازوکار در صورت به توافق نرسیدن طرفین مکانیزم ماشه است.

قبل از توضیح مکانیزم ماشه لازم است که به‌عنوان مقدمه توضیحاتی درباره برجام ارائه شود. دو دیدگاه راجع به برجام وجود دارد یکی اینکه برجام یک توافق و سند سیاسی است. یک موافقت‌نامه بین دو طرف این سند است و شامل هیچ‌کدام از تعهدهای بین کشورها از جمله معاهدات نیست و حتی شامل کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره معاهدات بین‌المللی نیز نمی‌شود.

دیدگاه دوم معتقد است (اگر دقت کنیم به کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در رابطه با معاهدات بین‌المللی آنجا اشاره کرده است) که لازم نیست یک توافق بین دو طرف یکی از این عناوین مشخص را داشته باشد؛ مثلاً معاهده، توافق‌نامه، موافقت‌نامه و اشکال دیگری که اگر بخواهیم حساب کنیم حداقل حدود ۱۵ عنوان برای انواع

بین‌المللی توافقات بین کشورها در قالب یکی از این اسناد فراهم و سازمان‌دهی می‌شود.

بنابراین نمی‌توان با توجه به‌عنوان برجام آن را یک سند صرف سیاسی محسوب کرد؛ بلکه سند حقوقی نیز هست. علاوه بر این، دلایل دیگری هم باعث می‌شود که ما آن را یک سند حقوقی تلقی کنیم؛ چراکه در آن دو طرف مشخص، تعهداتی را قبول کرده‌اند و قرار است به این تعهدات عمل کنند. همچنین سازمان ملل این توافق را راهبری می‌کند و اتحادیه اروپا در کنار آمریکا جزئی از این توافق هستند و هرکدام حقوقی را کسب کرده و تکالیفی را برعهده گرفته‌اند، پس یک سند حقوقی است. علاوه بر این موضوع این سند برای اطراف خود نیز حقوقی را پیش‌بینی کرده است و نمی‌توان آن را فقط یک توافق سیاسی دانست.

در حقوق داخلی کشور ما نیز در رابطه با اینکه ماهیت برجام چیست دو دیدگاه وجود دارد: عده‌ای با توجه به‌عنوان برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)، آن را توافقی می‌دانستند که نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد؛ اما اکثریت معتقدند هر توافقی که جنبه‌ای فراتر از موضوع داخل کشور داشته، فرامنطقه‌ای و تعهدآور برای دولت باشد، باید به مجلس برود و مجلس آن را تصویب کند و سپس به تأیید شورای نگهبان برسد. به‌رحال مجلس و شورای نگهبان برجام را تأیید کرد و وضعیت برجام به وضعیتی رسیده است که الآن شاهد آن هستیم.

در برجام مهم‌ترین مسئله حل‌وفصل اختلافات بود. در این باره هم مکرر عرض کردم در حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی اگر بخواهد سندی به نتیجه برسد، باید در آن حل‌وفصل اختلاف پیش‌بینی شود. این در حقوق داخلی هم خیلی روشن است به‌رحال طرفین ممکن است که در اجرای این توافق اختلاف پیدا کنند یا در اجرا اختلافی نداشته، در تفسیر آن سند اختلاف پیدا کنند، چگونه است که هرطرف توافق برداشت خاص خودش را دارد و آن را به‌زعم خود ادامه می‌دهد. البته باید در اسناد بین‌المللی یا منطقه‌ای کلمات به‌گونه‌ای گزینش شوند که مفهومشان دقیق و روشن باشد و از عبارات دوپهلوی و مبهم استفاده نشود. کلماتی که قابلیت دارند که چند برداشت مختلف را در خود داشته

۹۹ یکی از فنون مذاکرات سیاسی و حقوقی بین دولت‌ها است که تلاش می‌کند سند به‌گونه‌ای نوشته شود تا بتواند بیشترین بهره‌مندی را از آن داشته باشد. در برجام هیئت مذاکره‌کننده ما یا مسامحه و کم‌دقتی و غفلت کرد یا با علم کامل آن را پذیرفته و مسیر دیگری نداشته است و اگر آن را قبول نمی‌کرد توافق‌نامه امضا نمی‌شد، به‌رحال این اتفاق افتاد که در برجام موضوع حل‌وفصل اختلافات دچار وضعیتی شد که چندان روشن و مشخص و صریح نبود. **۶۶**

باشند و هرکدام از این برداشتها هم به نظر صحیح بیاید. باید برداشت مشخص باشد؛ یک جاهایی ناگزیرند از کلماتی خاص استفاده کنند؛ اما یک‌طرف تلاش می‌کند از واژه‌هایی استفاده کند که بتواند تفسیر خود را ارائه بدهد. این یکی از فنون مذاکرات سیاسی و حقوقی بین دولت‌ها است که تلاش می‌کند سند به‌گونه‌ای نوشته شود تا بتواند بیشترین بهره‌مندی را از آن داشته باشد. در برجام هیئت مذاکره‌کننده ما یا مسامحه و کم‌دقتی و غفلت کرد یا با علم کامل آن را پذیرفته و مسیر دیگری نداشته است و اگر آن را قبول نمی‌کرد توافق‌نامه امضا نمی‌شد، به‌رحال این اتفاق افتاد که در برجام موضوع حل‌وفصل اختلافات دچار وضعیتی شد که چندان روشن و مشخص و صریح نبود.

دو طرف اگر بخواهند اختلاف را حل کنند باید سراغ یک طرف ثالث بی‌طرف بروند، یا یک نهاد در حقوق بین‌الملل یا یک کشور یا گروهی از کشورها، یک سازمان یا نهاد منطقه‌ای و یک نهاد داوری و ... که اختلاف حل‌وفصل شود و طرف ثالث بی‌طرفی قضاوت کند. بر اساس موازین برجام، این پیش‌بینی اتفاق نیفتاد و دو طرف نیامدند یک نهاد بین‌المللی را که مورد تراضی دو طرف باشد انتخاب کنند و بگویند برای اختلاف پیش‌آمده بین ما داوری کن، در برجام می‌بینیم که متأسفانه مجری و خاطی قاضی است؛ یعنی دادستان و شاکی و متشاکی همه یکی شده است.